

تئاتر ایرانی این امکان وجود دارد که بر اساس ذائقه و واکنش مخاطب، مسیر اجرا را تا حدی تغییر دهیم. این نوع بداهه‌پردازی برای من همیشه یک الگو بوده است. تئاتر ایرانی به ما یاد داده که چطور همراه تماشاگر حرکت کنیم، بدون اینکه انسجام نمایش از بین برود.

**○ در نمایش «درخت گیلاس» مرز بین بازی و توضیح دادن چگونه حفظ شد؟**

ما قرار نیست در این نمایش کلاس درس برگزار کنیم. وظیفه ما پاسخ دادن به سؤال‌ها در دل اجراست، نه بعد از آن. گروه تئاتر «چراغ خواب» به سرپرستی خانم طیار، یک گروه کاملاً گفت‌وگو محور است. گاهی بعد از اجرا به اندازه مدت خود نمایش، با بچه‌ها گفت‌وگو می‌کنیم. اما این به این معنا نیست که اگر نمایش گویا نباشد، در پایان همه چیز را توضیح دهیم. اصل ماجرا این است که نمایش باید خودش در متن و اجرا گویا باشد. گفت‌وگو بعد از اجرا برای تبادل تجربه است؛ هم ما از نگاه بچه‌ها چیزهایی یاد می‌گیریم، هم آن‌ها از زاویه‌ای تازه به نمایش فکر می‌کنند. همین باعث شده بعضی خانواده‌ها چند بار نمایش را ببینند.

**○ اجرای دوباره یک نمایش برای شما چه حسی دارد؟ امنیت یا مسئولیت بیشتر؟**

قطعاً مسئولیت بیشتر. اجرای دوباره یک اثر به معنای بازآفرینی تجربه‌ای است که به بلوغ رسیده. شما در طول زمان تجربه‌های جدیدی به دست می‌آورید و وقتی دوباره به آن اثر برمی‌گردید، با خودتان می‌پرسید چرا آن

تجربه‌ها را در اجرا وارد نکنم؟

گاهی حتی دیالوگ‌ها برایتان فرسایشی می‌شوند و باید دوباره آن‌ها را زنده کنید تا بیات نشوند. این چالش بزرگی است؛ چون در هر اجرا باید طوری بازی کنید که انگار اولین بار است این اثر خلق می‌شود. به همین دلیل اجرای مجدد، به جای امنیت، مسئولیت را سنگین‌تر می‌کند.

**○ بلبل‌ی که در این نمایش نقش آن را بازی می‌کنید، چه نماد و مفهومی را نمایندگی می‌کند؟**

شخصیت من در این نمایش یک بلبل است؛ بلبل آزادی‌خواه و روشنگر. او نماد نور و آگاهی است که از مفهوم ایستادگی الهام گرفته و وارد جهان نمایش شده است. این بلبل به دیگر شخصیت‌ها می‌گوید چرا باید در برابر زورگویی سکوت کرد و چرا باید پرسشگر بود. او صریح است و حرف دلش را بدون پنهان‌کاری بیان می‌کند. اگر بخواهم یک جمله خارج از متن به زبان این شخصیت بگویم، این است:

«هیچ وقت جلوی حرف زور سکوت نکنید.»

**○ چرا با وجود اهمیت تئاتر کودک، این حوزه همچنان کمتر از سایر شاخه‌های تئاتر مورد توجه قرار می‌گیرد؟**

خب، خیلی‌ها فکر می‌کنند تئاتر کودک مقدمه‌ای برای رسیدن به تئاتر بزرگسال است، در حالی که این تصور کاملاً اشتباه است. تئاتر کودک، مثل آموزش پایه اول مدرسه است؛ همان قدر مهم و تخصصی. اگر در این مرحله اشتباه کنیم، پایه‌های بعدی هم آسیب می‌بیند. برای همین، کار در این حوزه نیاز به تجربه، شناخت و مهارت جدی دارد. همچنین کمبود بودجه و نبود حمایت ساختاری باعث شده این حوزه کمتر رشد کند. جشنواره‌هایی که زمانی برای تئاتر کودک اهمیت ویژه داشتند، امروز بیشتر به شکل بیلان کاری برگزار می‌شوند تا جریان‌ساز.

**○ تجربه همکاری شما در «درخت گیلاس»**

**گیلاس» چگونه بود؟**

تجربه‌های بسیار خاص و متفاوت بود. گروه تئاتر «چراغ خواب» تمرکز اصلی‌اش روی تولید آثار برای خردسال بر اساس مهارت‌های زندگی است. همین سابقه باعث شده این گروه به‌عنوان یک مجموعه حرفه‌ای و قابل اعتماد شناخته شود.

کار در این پروژه برای من چالش برانگیز بود، چون قرار بود یک مفهوم بزرگ را در قالبی نمایشی و آیینی به مخاطب کودک منتقل کنیم. استفاده از عناصر نمایش ایرانی مثل تعزیه، خیمه‌شب‌بازی و نقالی در کنار روایت مدرن، تجربه‌ای کاملاً متفاوت ساخت. در واقع ما تلاش کردیم نمایش ایرانی را به زبان امروز کودک بازخوانی کنیم؛ بدون اینکه آن را ساده یا سطحی کنیم. نتیجه این تلاش، نمایشی شد که برای من یکی از تجربه‌های درخشان همکاری با این گروه است.

**○ نقش نمایش ایرانی و آیین‌ها در این اثر چه بود؟**

ما از تعزیه به‌عنوان یک فرم الهام گرفتیم، نه به‌عنوان بازسازی مستقیم. موسیقی اثر هم به موسیقی عزاداری، بلکه موسیقی دستگامی ایرانی است. تلاش شد فضای آیینی حفظ شود، اما در قالبی که برای کودک قابل فهم و جذاب باشد. این ترکیب باعث شد نمایش هم ریشه در فرهنگ ایرانی داشته باشد و هم برای نسل امروز قابل ارتباط باشد.

**○ در پایان اگر بخواهید جمع‌بندی کنید؟**

«درخت گیلاس» برای من تلاشی است برای پیوند میان نمایش ایرانی و مخاطب کودک امروز. ما از یک قصه ساده به یک نمایشنامه رسیدیم که هم درام دارد، هم ریشه فرهنگی، هم زبان امروزی. و دعوت می‌کنم تا زمانی که فرصت هست، مخاطبان این نمایش را ببینند.

فهمیه باروتچی، بازیگر و عروسک‌گردان:

**«درخت گیلاس»، درباره ایستادن مقابل ظلم است**

فهمیه باروتچی، بازیگر و عروسک‌گردان نمایش «درخت گیلاس»، معتقد است تئاتر کودک یکی از دشوارترین گونه‌های نمایشی است؛ جایی که «هر کلمه و هر رفتار در ذهن سفید کودک باقی می‌ماند». او در گفت‌وگو با روزنامه صبا، از تجربه حضور در نمایشی با حال‌وهوای محرم، ضرورت آشنایی کودکان با مفهوم ایستادگی در برابر زورگویی و همچنین مشکلات و کم‌توجهی به تئاتر کودکان گفت.

**○ کمی از خودتان و پیشینه هنری‌تان بگویید.**

بیش از ۲۵ سال است در زمینه بازیگری و عروسک‌گردانی تئاتر فعالیت دارم. نزدیک به ۱۵ سال هم در حوزه آموزش تئاتر و نقالی به کودک و نوجوان مشغول هستم و در حال حاضر در دانشگاه هنر و معماری پارس نیز تدریس می‌کنم.

**○ عنوان «بازی‌ساز» خیلی پیچیده‌تر از «بازیگر» به نظر می‌رسد؛ خودتان این تفاوت را چطور تعریف می‌کنید؟**

بازیگر شخصیت را می‌سازد، نه بازی را! اگر قرار بود بازی‌ساز باشم الان باید درباره کدنویسی و طراحی بازی حرف می‌زدم، نه بازیگری و عروسک‌گردانی!

**○ وقتی با عروسک و فضای کودک کار می‌کنید، بیشتر حس می‌کنید در حال ساختن جهان هستی یا احساس؟**

فکر می‌کنم رسالت اول نمایش، لذت بردن تماشاگر است. وقتی مخاطب کودک باشد، اهمیت این موضوع چندبرابر می‌شود. در «درخت گیلاس» کارگردان با دقت زیادی تلاش کرده

توجه کودک را به محیط پیرامونش جلب کند و او را وارد جهان نمایش کند.

**○ در «درخت گیلاس» سخت‌ترین بخش کار برای شما چه بود؟**

من در این نمایش همزمان دو شخصیت را اجرا می‌کنم و صدای هر دو عروسک را هم می‌گویم. برای همین سخت‌ترین بخش کار، کنترل و تفکیک این دو شخصیت بود؛ اینکه هر کدام هویت و لحن مستقل خودشان را داشته باشند.

**○ تئاتر کودک معمولاً ساده و معصوم به نظر می‌رسد، در حالی که پشت آن دقت و طراحی زیادی وجود دارد. این سوءتفاهم شما را اذیت می‌کند؟**

هدف اجرا رساندن مفهوم متن و لذت بردن تماشاگر است. اما در کل تئاتر کار بسیار سختی است، در هر شکل و گونه‌ای. تئاتر کودک هم با وجود ظاهر ساده‌اش، ظرافت‌ها و حساسیت‌های زیادی دارد.

**○ نمایشی که هم حال‌وهوای محرم دارد و هم برای کودک اجرا می‌شود، ممکن است بیش از حد احساساتی شود. شما چطور این تعادل را حفظ کردید؟**

کار نمایش برانگیختن احساسات درونی تماشاگر و حتی بازیگر است؛ چیزی که به آن تزکیه نفس می‌گویند. اما در «درخت گیلاس» هدف اصلی ما پرداختن به مفهوم زورگویی و ایستادگی در برابر آن بود. بازخوردی که از کودکان می‌گیریم بیشتر حس قدرت و شجاعت است تا اندوه.

**○ آیا تا به حال کودکی بعد از اجرا برداشتی داشته که خودتان اصلاً به آن فکر نکرده باشید؟**

قطعاً. هرکسی از ظن خود شد می‌راند... کودکان گاهی به ظرافتی در اجرا نگاه می‌کنند که درک آن برای ما جالب است.

**○ با توجه به حال‌وهوای محرم، رساندن مفهوم سوگواری به کودک بدون تلخ شدن فضا چقدر دشوار بود؟**

ما در این نمایش درباره سوگواری صحبت نمی‌کنیم، چون اساساً سوگواری محتوای مناسبی برای کودک نیست. «درخت گیلاس» برگرفته از کتاب «چرا چرا» نوشته کلر ژوبرت است و نویسنده تلاش کرده به کودکان یاد بدهد که در برابر زورگویی نباید سکوت کرد و باید پرسید «چرا». برای ملموس شدن این مفهوم هم از مثال امام حسین (ع) استفاده شده؛ شخصیتی که در برابر ظلم ایستادگی کرد.

از طرف دیگر، شبیه‌خوانی و تعزیه یکی از گونه‌های مهم نمایش ایرانی است و ما تلاش کردیم کودکان را هم با مفهوم مقابله با زورگویی آشنا کنیم و هم با این شکل نمایشی ایرانی.

**○ از سختی‌ها و شیرینی‌های بازیگری در حوزه کودک و نوجوان بگویید.**

اجرا برای کودک مثل راه رفتن روی لبه تیغ است. هر کلمه و هر رفتار در ذهن سفید و تازه کودک باقی می‌ماند، برای همین باید درباره همه‌چیز با دقت فکر کرد. در عین حال، کار برای کودک بسیار شیرین و دلنشین است و انرژی خاص خودش را دارد.

**○ آیا تئاتر کودک هنوز جدی گرفته نمی‌شود، حتی از طرف خود اهالی تئاتر؟**

متأسفانه از نظر من تئاتر به‌طور کلی در کشور ما جدی گرفته نمی‌شود و این مسئله در حوزه کودک و نوجوان بیشتر هم دیده می‌شود. هنوز خیلی‌ها فکر می‌کنند تئاتر کودک فقط یک سرگرمی ساده است، در حالی که این حوزه نیاز به دقت، تخصص و هزینه زیادی دارد. هنرمندان تئاتر کودک همیشه با کمبود بودجه و امکانات روبه‌رو هستند، در صورتی که تولید اثر برای کودک و نوجوان از پرهزینه‌ترین گونه‌های نمایشی است.

**○ تجربه بازی و همکاری در این نمایش چگونه بود؟**

لذت در تئاتر وقتی معنا می‌دهد که از کار خودت راضی باشی و رضایت در کنار گروه حرفه‌ای و درست حاصل خواهد شد که من چند سال است که در گروه چراغ خواب این لذت را درک کرده‌ام.

